

سنجش شاخص‌های بازتوزیع درآمد در نظام مالیاتی کشور

محسن جلالی*

چکیده

توزیع مجدد درآمد یکی از موضوعات مهم در ارزیابی یک نظام مالیاتی در هر کشوری است. این محث موضوع پژوهش‌های بسیاری در دهه‌های اخیر بوده و شاخص‌هایی به‌منظور ارزیابی توزیع مجدد درآمد ارائه شده است. هدف اصلی این مقاله آن است که با استفاده و تحلیل شاخص‌های توزیع مجدد درآمد، چگونگی تأثیر نظام مالیاتی را بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران بررسی نماید. همان‌طور که می‌دانیم، ضریب جینی شاخصی است که به‌طور گسترده در تحلیل نابرابری توزیع درآمد به‌کار می‌رود. در اینجا با استفاده از این شاخص، اثرات توزیعی مالیات بر درآمد مورد سنجش قرار گرفته است. افزون بر این، شاخص بهبودگرا، برابری عمودی و برابری افقی، موضوعاتی هستند که در دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۳ مورد ارزیابی و سنجش قرار خواهند گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اثر توزیعی مالیات‌ها به‌رغم میزان نسبتاً بالای شاخص بهبودگرا، بسیار ناچیز است؛ این در حالی است که یارانه‌های پرداختی به خانوارها در کاهش نابرابری توزیع درآمدها مؤثرتر بوده است.

واژگان کلیدی: ضریب جینی، توزیع مجدد درآمد، شاخص بهبودگرا، برابری عمودی، برابری افقی.

طبقه‌بندی: JEL: D31, D63, H23.

۱. مقدمه

مسأله عدالت در توزیع درآمدها از جمله مباحث کلیدی در هر جامعه‌ای است؛ چراکه این موضوع علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، می‌تواند تبعات سیاسی و اجتماعی نیز داشته باشد. کاهش فاصله طبقاتی از وظایف اصلی دولت‌ها در هر کشوری محسوب می‌شود. چگونگی توزیع درآمد می‌تواند از دو جنبه توزیع اولیه و نیز باز توزیع درآمدها مد نظر قرار گیرد. در بررسی مبحث توزیع مجدد درآمدها، توسعه و کارآمدی نظام مالی به عنوان ابزاری مهم در نظر گرفته می‌شود. همان‌طور که می‌دانیم، کسب درآمد برای پوشش هزینه‌های دولت‌ها از کارکردهای هر نظام مالیاتی است؛ اما در کنار این موضوع و با استفاده از این ابزار می‌توان کارکرد دیگری در جهت باز توزیع درآمدها برای یک نظام مالیاتی قائل شد. بدیهی است که وجود یک ساختار نظام‌مند و منسجم مالیاتی می‌تواند علاوه بر پوشش وظیفه درآمدزایی برای دولت‌ها، در اعمال سیاست‌های توزیع مجدد درآمدها و ارتقای فعالیت‌های اجتماعی به نحو کارآمدی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در این زمینه و به‌ویژه در دهه‌های اخیر، موضوع سنجش و ارزیابی این کارکرد، در قالب شاخص‌هایی کمی مطرح شده است. هدف اصلی این پژوهش، پرداختن به موضوع تأثیرپذیری شاخص‌های توزیع درآمد از سیاست‌های مالیاتی در قالب شاخص‌های سنجش و ارزیابی اثرات باز توزیعی در یک نظام مالیاتی است. گفتنی است که در این مقاله معیار سنجش نابرابری در توزیع درآمدها شاخص ضریب جینی است که کمیتی بین صفر و یک داشته و مقدار کمتر آن نشانه توزیع عادلانه‌تر درآمدهاست. همچنین، شاخص اثرات توزیعی، شاخص بهبودگرا، برابری عمودی و شاخص رتبه‌بندی مجدد مباحثی هستند که در ادامه مطرح خواهند شد.

این مقاله در پنج بخش سازماندهی شده است. بخش آتی به مرور تجربیات و پژوهش‌های انجام‌شده درخصوص تأثیر ساختار مالی بر توزیع درآمد در ایران و جهان می‌پردازد. در فصل سوم به بررسی اجمالی ادبیات نظری این مبحث اشاره شده و در بخش چهارم به محاسبه و ارزیابی این شاخص‌ها در اقتصاد ایران در دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۳ پرداخته می‌شود، سرانجام، در بخش پنجم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۲. مروری بر تجربیات و پژوهش‌های کاربردی

بررسی ادبیات سنجش اثر مالیات‌ها و یارانه‌ها بر توزیع درآمد موضوعی است که در دهه‌های اخیر به آن پرداخته شده است. پژوهش‌گران و اندیشمندان در این حوزه سعی در تبیین نقش مهم دولت بر مسأله توزیع درآمدها از طریق نظام مالیاتی و حمایتی دارند. شاید بتوان نخستین بررسی‌ها در این مقوله را در مطالعات ماسگریو و تین^۱ (۱۹۴۸) جستجو نمود. مطالعه انجام‌شده توسط کاکوانی^۲ (۱۹۷۷) بی‌تردید تأثیری بنیادین در این حوزه داشته است. در سلسله مقالات منتشرشده توسط کاکوانی عوامل مؤثر در بررسی این متغیرها و نیز ارتباط بین آنها تبیین شده است. این عوامل را می‌توان در قالب وجود ویژگی بهبودگرایانه^۳ مالیات‌ها - و نیز یارانه‌های پرداختی - جستجو نمود. شایان ذکر است که عبارت بهبودگرایانه ناظر بر اصلاح و بهبود توزیع درآمدها پس از اعمال سیاست‌های مالی مدنظر دولت است. بدیهی است در هر نظام مالیاتی بهبودگرا وضع مالیات‌ها موجب انتقال منحنی لورنز به سمت خط برابری کامل می‌شود و هر مقدار که این انتقال بیشتر باشد، تأثیر نظام مالیاتی بر بهبود توزیع درآمدها بیشتر خواهد بود.

موضوع دیگری که توسط کاکوانی (۱۹۸۴) مطرح و بسط داده شده است، مبحث برابری عمودی^۴ (VE) و برابری افقی^۵ (HE) است. در بررسی و سنجش برابری عمودی VE در این مقاله، به مطالعه اثرات توزیعی مالیات‌ها (یارانه‌ها) در دامنه‌های مختلف درآمدی پرداخته می‌شود. گفتنی است که این موضوع با شاخص بهبودگرای مالیاتی مرتبط است. در بررسی و سنجش برابری افقی موضوع اعمال رویکردی متوازن و همگن با افرادی است که در شرایط یکسان و مشابه قرار دارند. این مسأله از منظر اخلاقی و نیز اجتماعی امری بدیهی و قابل پذیرش است. بررسی و مطالعه در خصوص سنجش برابری افقی مبحث رتبه‌بندی مجدد^۶ را مطرح می‌سازد که این رویکرد توسط آتکینسون^۷ (۱۹۸۰) و

1. Musgrave & Thin

2. Kakwani

3. Progressive

4. Vertical Equity

5. Horizontal Equity

6. Reranking

7. Atkinson

پلات نیک^۱ (۱۹۸۱) مطرح و ارایه شده است. در این خصوص مطالعه درباره تأثیر مالیات‌ها بر بهبود توزیع درآمد در قالب شاخص‌های بازتوزیع درآمدها موضوعی است که توسط پژوهشگران مدنظر قرار گرفته است. در این زمینه می‌توان به پژوهش اخیر وربیست و فیگاری^۲ (۲۰۱۴) درباره تأثیر نظام مالیاتی بر توزیع درآمد در محدوده اتحادیه اروپا در قالب بهره‌مندی از شاخص‌های توزیع مجدد درآمد اشاره داشت. نتایج محاسبه این شاخص‌ها در جدول ۱ (پیوست) ارائه شده است.

موضوع تأثیر نظام مالیاتی بر توزیع درآمد مبنای پژوهش بسیاری از پژوهش‌ها در اقتصاد ایران بوده است. مقاله سیفی‌پور و رضایی (۱۳۹۰) به مطالعه اثر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد که با شاخص ضریب جینی سنجیده می‌شود، پرداخته است. نتیجه این پژوهش تأثیر مثبت مالیات‌های مستقیم بر بهبود توزیع درآمد و تأثیر منفی مالیات‌های غیرمستقیم بر آن بوده، هرچند که تأثیر منفی مالیات‌های غیرمستقیم ناچیز است. در مطالعه ابونوری و خوشکار (۱۳۸۶) با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان به ظاهر نامرتبط (SURE) به تحلیل متغیرهای مؤثر بر توزیع درآمد پرداخته است. نتیجه این پژوهش بیان می‌کند که در نظام مالیاتی ایران بیشتر بر جنبه درآمدزایی در مقایسه با اثرات توزیعی، توجه شده است و لزوم اصلاح ساختار مالیاتی به منظور اصلاح توزیع درآمد احساس می‌شود. بررسی پیرایی و خسرو دوجی (۱۳۸۸) ناظر بر تأثیر منفی سیاست‌های مالیاتی بر توزیع درآمد است. پژوهش انجام‌شده توسط فلاحتی، الماسی و آقایی (۱۳۸۸) با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان و سری زمانی ۱۳۵۲-۱۳۸۴ به بررسی تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد پرداخته‌اند، نتیجه این مطالعه نشانگر تأثیر مثبت سیاست‌های مالی بر بهبود شاخص توزیع درآمد است. یافته‌های پژوهش دادگر و غفاری (۱۳۸۷) درباره تأثیر مالیات بر توزیع درآمد نشان می‌دهد که شاخص‌های توزیع درآمد پیش و پس از وضع مالیات و پرداخت‌های انتقالی، بهبود یافته است. نتایج این پژوهش بیانگر این واقعیت است که به‌رغم وجود ضعف در سیستم مالیاتی کشور، وضع مالیات‌های تصاعدی بر درآمد می‌تواند به بهبود توزیع درآمد منتهی شود. این در حالی است که مطالعه پروین و قره‌باغیان (۱۳۷۵) بیان می‌کند که سیاست‌های مالیاتی در ایران در زمینه بهبود توزیع درآمد ضعیف

1. Plotnick
2. Verbist & Figari

عمل کرده و تقریباً تأثیری بر توزیع درآمد نداشته است. در بررسی انجام‌شده توسط ابونوری (۱۳۸۶) نظام مالیاتی را عاملی در جهت افزایش نابرابری در توزیع درآمد در ایران تلقی نموده است. پژوهش جابری خسروشاهی و دیگران (۱۳۹۱) با استفاده از روش الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) در دوره ۱۳۸۷-۱۳۵۲ حاکی از آن است که توسعه مالی می‌تواند به‌عنوان عاملی کاهش‌دهنده بر ضریب جینی مؤثر واقع شود. در مقاله صمدی و همکاران (۱۳۸۷) در دوره زمانی طولانی‌مدت ۸۶ - ۱۳۳۸ استنتاج شده که بیشتر مالیات‌های دریافت‌شده توسط دولت از اقشار غیر ثروتمند بوده، بنابراین، نظام مالیاتی را عاملی در جهت اصلاح توزیع درآمد محسوب نمی‌کند.

نکته قابل توجه آن است که در سال‌های اخیر دو موضوع هدفمندسازی یارانه‌ها و نیز مالیات بر ارزش افزوده به عنوان دو تحول ساختاری و اساسی در اقتصاد ایران رخ داده است. همان‌طور که می‌دانیم، مالیات بر ارزش افزوده از جمله سیستم‌های مالیاتی است که مبتنی بر پایه مصرفی بوده و به دلیل گستردگی در پایه‌های مالیاتی قابلیت درآمدزایی برای دولت‌ها دارد. در این نظام مالیاتی، نگرانی در خصوص فشار بر گروه‌های فقیر وجود دارد. پژوهش طیب‌نیا و دیگران (۱۳۸۳) به بررسی مسأله تأثیر نظام مالیاتی مبتنی بر ارزش افزوده VAT بر ساختار توزیع درآمد با استفاده از جداول داده - ستانده پرداخته است. آنها ضمن برآورد هزینه‌ای که دهک‌های مختلف درآمدی بابت اجرای VAT می‌پردازند، عدم تأثیرگذاری نظام مالیاتی VAT بر تغییر نابرابری در توزیع درآمد را استنتاج کرده‌اند. مطالعه امین رشتی و میلانی (۱۳۹۰) درباره این موضوع بر روی ۲۰ کشور منتخب نشان می‌دهد که در کشورهای کم درآمد با افزایش سهم مالیات بر ارزش افزوده ضریب جینی افزایش می‌یابد، در نتیجه، نابرابری درآمد بیشتر می‌شود؛ اما در کشورهای پُر درآمد، با افزایش سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات، ضریب جینی کاهش یافته، در نتیجه نابرابری درآمد کمتر می‌شود.

سیاست هدفمندی یارانه‌ها در اقتصاد ایران نیز موضوعی است که در سال‌های اخیر مطرح و اجرا شده است. همان‌طور که می‌دانیم، مسأله اصلاح توزیع درآمدها و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر از جمله اهداف اولیه و کلیدی در اجرای این طرح است. کاهش ضریب جینی به میزان ۰/۰۴ در آمارهای منتشرشده مرکز آمار گزارش شده است. این سیاست در مقاله تهیه‌شده در صندوق بین‌المللی پول نیز

مورد توجه قرار گرفته، هر چند که در گزارش این صندوق درباره عدم اجرای سیاست‌های هماهنگ و نیز به‌روز و افزایش تورم که در نهایت به خنثی‌شدن نتایج اولیه سیاست‌های هدفمندی یارانه‌ها منجر می‌شوند، ابراز نگرانی شده است. در این خصوص، مقاله دادگر و نظری (۱۳۹۰) موضوع پرداخت مستقیم یارانه را مورد بررسی قرار داده است. بر اساس این مطالعه هر چند که اصلاح نظام حمایتی و پرداخت یارانه‌ها را از ضروریات کشور به حساب می‌آورد، اما در شرایط تورم رکودی، تداوم بحران اقتصادی و نبود زیرساخت‌های مناسب، هدفمندی یارانه‌ها را سیاست مناسبی در جهت اصلاح توزیع درآمد به شمار نمی‌آورد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در بیشتر مطالعات انجام‌شده با استفاده از بررسی‌های سری زمانی و روش‌های متعارف مدل‌بندی و اقتصادسنجی به بررسی و تحلیل اثرات نظام مالیاتی بر شاخص‌های توزیع درآمد پرداخته شده است. در این پژوهش تلاش شده است تا تأثیرگذاری نظام مالیاتی کشور بر چگونگی توزیع درآمدها در قالب محاسبه شاخص‌های کمی و قابل سنجش به صورت سالانه پیش و پس از مالیات بررسی و تحلیل شود. با ارزیابی و تفسیر نتایج این شاخص‌ها به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا نظام مالیاتی بر بهبود توزیع درآمد در ایران تأثیر دارد و این میزان تأثیرگذاری به چه میزان بوده و در طول زمان چه تغییراتی داشته است. گفتنی است که دوره مورد بررسی این پژوهش، سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۳ است.

۳. مروری بر ادبیات پژوهش

در بررسی موضوع تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع مجدد درآمدها فرض می‌شود، متغیر تصادفی X مبین سطح درآمدی با تابع چگالی $f(x)$ باشد. در این صورت، $F(x)$ تابع توزیع تجمعی جامعه بوده و معادل با درصد افرادی است که سطح درآمدی ناخالص کمتر یا مساوی X دارند. به منظور تفکیک درآمدهای ناخالص و درآمدهای خالص به ترتیب از نمادهای X و $X-T$ استفاده نموده و بر این اساس به تحلیل موضوع تأثیرگذاری مالیات‌ها به طور مستقیم پرداخته می‌شود.

در آغاز بررسی مبحث توزیع درآمد از منحنی لورنز استفاده می‌شود. این منحنی در نگارش

پیوسته آن به صورت زیر قابل ارایه است:

$$L(p) = \frac{1}{\mu} \int_0^y xf(x)dx \quad (1)$$

شاخص نام آشنای ضریب جینی به عنوان ابزاری متعارف و پُرکاربرد در تحلیل‌های توزیع درآمد را می‌توان به صورت مستقیم برحسب منحنی لورنز معادل نسبت فضای محصور بین خط عدالت کامل و منحنی لورنز به کل فضای زیر خط عدالت کامل بیان نمود. بر این اساس، ضریب جینی در نگارش پیوسته آن به صورت زیر استخراج می‌شود:

$$G = 1 - 2 \int_0^1 L(p)dp \quad (2)$$

در این خصوص، یادآور می‌شود که ضریب جینی کمیتی بین صفر تا یک داشته و مقدار کمتر آن نشان‌دهنده توزیع عادلانه‌تر درآمد در جامعه است.

ابزار استاندارد و متعارف در خصوص سنجش تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد را می‌توان در قالب شاخصی کمی که آن را شاخص اثر توزیعی^۱ می‌نامیم، یافت. این شاخص در واقع با تفاضل ضریب جینی پیش و پس از اعمال مالیات‌ها برابر است که به صورت زیر بیان می‌شود:

$$RE = G_X - G_{X-T} \quad (3)$$

بدیهی است که مقدار مثبت این شاخص، کاهش در نابرابری توزیع درآمدها به واسطه دریافت مالیات و یا پرداخت یارانه را نشان می‌دهد.

از ابزارهای مهم دیگری که در بررسی تأثیر مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی به آن نیازمند بوده، منحنی تمرکز است.^۲ گفتنی است، در تعریف این منحنی چنانچه سهم مقادیر متغیر X در برابر کوانتایل‌های متغیر Y ترسیم شود، منحنی تمرکز متغیر X نسبت به متغیر Y به دست می‌آید و در نهایت نرخ متوسط مالیاتی^۳ که به صورت رابطه ۴ ارائه شده است.

$$t = \frac{T}{X} = \frac{\int_0^{\infty} t(x)f(x)dx}{\int_0^{\infty} xf(x)dx} \quad (4)$$

1. Redistributive Effect
2. Concentration Curve
3. Average Tax Rate

مبتنی بر معادلات بالا، منحنی $L_X(p)$ منحنی لورنز پیش از پرداخت مالیات بوده و به نحو مشابه $L_T(p)$ و $L_{X-T}(p)$ به ترتیب معادل با منحنی تمرکز مالیات‌های پرداخت شده و منحنی تمرکز درآمد خالص است. این منحنی‌ها به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$\left\{ \begin{array}{l} L_T(p) = \frac{1}{\mu_t} \int_0^y t(x)f(x)dx \\ L_{X-T}(p) = \frac{1}{\mu(1-t)} \int_0^y (x-t(x))f(x)dx \end{array} \right. \quad (5)$$

بر این اساس، رابطه بین منحنی لورنز درآمد ناخالص L_X و منحنی تمرکز درآمد خالص و منحنی تمرکز مالیات‌های پرداخت شده به صورت زیر به دست می‌آید:

$$L_X = tL_X + (1-t)L_{X-T} \quad (6)$$

که در آن، L_X به صورت متوسط وزنی از منحنی تمرکز درآمد خالص و مالیات‌ها به دست آمده و به علاوه خواهیم داشت:

$$L_{X-T} \geq L_T \Leftrightarrow L_T \leq L_X \quad (7)$$

این رابطه به آن معناست که منحنی تمرکز مالیات‌های پرداخت شده در پایین منحنی تمرکز درآمدهای ناخالص است. با ذکر این مقدمه، کاکوانی (۱۹۷۷) شاخص بهبودگرایی مالیاتی (P) را به‌عنوان نمادی کمی از مقدار و چگونگی تأثیر یک نظام مالیاتی بر توزیع درآمد به صورت زیر ارائه نموده است:

$$P = C_T - G_X(x) \quad (8)$$

که در آن، $G_X(x)$ ضریب جینی درآمدهای ناخالص و C_T شاخص تمرکز مالیات‌هاست که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$C_T = 1 - 2 \int_0^1 L_T(p)dp \quad (9)$$

مقدار مثبت شاخص P حاکی از آن است که توزیع درآمد پس از دریافت مالیات و یا پرداخت یارانه عادلانه‌تر توزیع می‌شود. بدیهی است مقدار بیشتر این شاخص نشان‌دهنده تأثیر بیشتر نظام مالیاتی بر بهبود توزیع درآمدهاست. نکته دیگری که در این زمینه مطرح می‌شود، مسأله برابری عمودی است. این شاخص که از آن به عنوان شاخص کاکوانی نیز یاد می‌شود، با رابطه زیر برابر است:

$$VE = \frac{tP}{1-t} = G_x - C_{x-T} \quad (10)$$

گفتنی است که برابری عمودی ناظر بر این نکته است که افراد با درآمد بالاتر در مقایسه با افراد کم درآمد می‌بایست مالیات بیشتری پرداخت نمایند. ملاحظه می‌شود که این رابطه تابع نرخ پرداختی مالیات‌ها و شاخص بهبودگرا است. به بیان دیگر، در تحلیل کارآمدی تأثیر یک نظام مالیاتی بر بهبود توزیع درآمدها دو عامل نرخ بهبودگرا و نیز نرخ مالیاتی می‌توانند مؤثر باشند. به منظور ملاحظه و سنجش تأثیر شاخص P بر روی ضریب جینی کاکوانی (۱۹۷۷) کشش ضریب جینی درآمد خالص را نسبت به شاخص P را به صورت زیر ارایه نموده است:

$$\eta_p = - \frac{P_t}{(1-t)G_{x-T}} \quad (11)$$

براساس این رابطه می‌توان استنباط نمود که در یک نظام مالیاتی بهبودگرا کاهش در مقدار توزیع درآمدها تابعی از افزایش در مقدار t و P است.

به منظور تحلیل مؤلفه‌ها و شناسایی عوامل مؤثر بر ساختار یک نظام مالیاتی از سازوکار تجزیه به اجزا استفاده می‌شود. برای این منظور از ویژگی مطلوب تجزیه‌پذیری شاخص تمرکز استفاده می‌شود. بر این اساس خواهیم داشت:

$$C(x) = \sum_{i=1}^n \frac{t_i}{t} C_i \quad (12)$$

و با فرض آنکه t_i و C_i به ترتیب برابر نرخ متوسط و شاخص تمرکز گروه مالیاتی i ام باشند، خواهیم داشت:

$$P = \frac{\sum P_i t_i}{t} \quad (13)$$

همان‌طور که در بخش پیشین به آن اشاره شد، موضوع دیگری که لازم است در بررسی کارآمدی یک نظام مالیاتی به آن توجه شود، موضوع برابری افقی است. این نگرش مبتنی بر رفتار یکسان با افرادی است که در جایگاه یکسان قرار دارند. ماسگریو (۱۹۵۹) بر اساس این مفهوم و در برداشتی مقدماتی برابری افقی را مستلزم پرداخت مساوی مالیات‌ها توسط افرادی می‌داند که دارای سطح درآمد یکسان هستند. بدیهی است، نقض این اصل موجب گسترش نابرابری افقی خواهد شد. به دلیل مشکلات مطالعاتی درخصوص سنجش نابرابری افقی این نگرش در پژوهش‌های اخیر با عنوان مسأله رتبه‌بندی مجدد مطرح می‌شود. بر این اساس، کینگ^۱ (۱۹۸۳) استدلال می‌کند که شرط لازم و کافی بروز نابرابری افقی آن است که رتبه‌بندی افراد پیش و پس از اعمال مالیات‌ها تغییر نماید. با ملاحظه چنین رویکردی و بهره‌مندی از مطالعات آتکینسون (۱۹۸۰) و پلات نیک (۱۹۸۱) شاخص ارزیابی میزان گستره توزیع مجدد به صورت زیر به دست می‌آید:

$$RR = G_{X-T} - C_{X-T} \quad (14)$$

می‌توان ملاحظه نمود که این معادله در واقع تفاضل بین شاخص ضریب جینی و شاخص تمرکز درآمدهای خالص است. با چنین رویکردی، رابطه اثر توزیعی RE به صورت زیر قابل بازنویسی است:

$$RE = (G_X - C_{X-T}) - (G_{X-T} - C_{X-T}) \quad (15)$$

\longleftarrow VE \longrightarrow \longleftarrow RR \longrightarrow

بر این اساس می‌توان استنباط نمود که کارایی یک نظام مالیاتی در بهبود توزیع درآمد که با شاخص VE سنجش می‌شود با بروز نابرابری افقی و مسأله رتبه‌بندی مجدد RR کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

۴. شاخص‌های توزیع مجدد در اقتصاد ایران

مروری مختصر درباره موضوع سنجش تأثیر نظام مالیاتی بر اساس شاخص‌های کمی ارزیابی توزیع مجدد درآمد در بخش پیشین مقاله ارائه شد. در این بخش با استفاده از مفاهیم و رابطه‌های بیان‌شده سعی می‌شود این شاخص‌ها برای اقتصاد ایران در دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۲ محاسبه شود. برای این منظور

1. King

در ابتدا به بررسی جنبه‌هایی از مالیات بر درآمد خانوارها پرداخته می‌شود. در جدول زیر سهم هر یک از گروه‌های مالیاتی که به‌طور مستقیم توسط خانوارها پرداخت می‌شود، ارائه شده است.

جدول ۲. سهم مالیات‌های پرداخت شده به وسیله خانوارها

نوع مالیات	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
مالیات بر مزد و حقوق (بخش دولتی)	۰/۴۹	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۰	۰/۵۲	۰/۴۹	۰/۴۶	۰/۴۱	۰/۴۴	۰/۳۶
مالیات بر مزد و حقوق (بخش خصوصی)	۰/۱۶	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۱۸	۰/۱۹	۰/۲۰	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۲
مالیات بر درآمد (مشاغل آزاد)	۰/۳۴	۰/۳۲	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۲۳	۰/۲۷	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۳۶
سایر مالیات‌ها	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۰۶
جمع	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰

مأخذ: محاسبات این پژوهش.

در ردیف اول این جدول، سهم مالیات‌های پرداختی در گروه مالیات بر مزد و حقوق بخش دولتی از کل مالیات‌ها ارائه شده است. به نحو مشابه در ردیف‌های بعد درصد مالیات بر مزد و حقوق بخش خصوصی و مالیات بر درآمد مشاغل آزاد و سایر مالیات‌ها ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، پرداخت‌های اصلی مالیاتی توسط خانوارها در گروه مالیات بر مزد و حقوق بخش دولتی قرار می‌گیرد، به طوری که در برخی از سال‌ها، در دوره مورد بررسی به بیش از نیمی از مالیات‌های پرداخت شده، می‌رسد. گفتنی است که کاهش محسوس این ردیف در مقابل افزایش سهم گروه مالیات بر درآمد مشاغل آزاد در سال ۱۳۹۲ قابل مشاهده است. در ادامه و به منظور تحلیل دقیق‌تر موضوع از منظر توزیع درآمد، مالیات‌های مستقیم پرداخت شده از کل مالیات‌ها در هر دهک محاسبه و در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳. سهم هر دهک از مالیات‌های پرداخت شده

دهک	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
دهک اول	۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۲۲	۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۹۰	۰/۰۰۷۳	۰/۰۰۳۳	۰/۰۰۳۹	۰/۰۰۳۹	۰/۰۰۳۲
دهک دوم	۰/۰۰۶۹	۰/۰۰۵۵	۰/۰۰۸۱	۰/۰۰۸۹	۰/۰۱۶۸	۰/۰۱۰۱	۰/۰۰۶۶	۰/۰۱۱۳	۰/۰۱۲۴	۰/۰۱۰۴
دهک سوم	۰/۰۱۴۵	۰/۰۱۶۷	۰/۰۱۵۱	۰/۰۱۷۹	۰/۰۲۳۰	۰/۰۱۹۳	۰/۰۱۳۹	۰/۰۲۲۷	۰/۰۲۲۴	۰/۰۱۵۴
دهک چهارم	۰/۰۲۵۰	۰/۰۲۵۱	۰/۰۲۸۹	۰/۰۲۹۱	۰/۰۳۸۵	۰/۰۲۷۹	۰/۰۳۰۶	۰/۰۳۲۶	۰/۰۴۲۰	۰/۰۳۱۶
دهک پنجم	۰/۰۴۵۰	۰/۰۴۴۴	۰/۰۴۱۶	۰/۰۵۱۸	۰/۰۵۲۲	۰/۰۴۶۵	۰/۰۴۴۲	۰/۰۴۷۱	۰/۰۴۵۵	۰/۰۳۹۷
دهک ششم	۰/۰۶۰۲	۰/۰۶۶۰	۰/۰۵۶۴	۰/۰۶۶۸	۰/۰۹۰۴	۰/۰۵۸۰	۰/۰۶۸۵	۰/۰۶۲۷	۰/۰۷۱۲	۰/۰۵۵۷
دهک هفتم	۰/۰۹۳۹	۰/۰۸۰۳	۰/۱۰۵۸	۰/۰۸۹۳	۰/۰۹۶۰	۰/۱۰۲۷	۰/۰۸۹۳	۰/۰۹۳۷	۰/۰۹۱۳	۰/۰۸۶۱
دهک هشتم	۰/۱۳۵۹	۰/۱۰۹۳	۰/۱۳۲۵	۰/۱۲۶۶	۰/۱۲۶۶	۰/۱۴۲۶	۰/۱۲۰۳	۰/۱۱۹۲	۰/۱۳۰۴	۰/۰۹۳۴
دهک نهم	۰/۱۸۳۶	۰/۱۹۰۸	۰/۱۸۰۲	۰/۱۷۶۸	۰/۱۶۰۳	۰/۲۰۰۶	۰/۱۵۳۳	۰/۱۸۵۳	۰/۲۲۲۷	۰/۱۵۸۱
دهک دهم	۰/۴۳۲۸	۰/۴۵۹۶	۰/۴۲۹۲	۰/۴۳۱۰	۰/۳۸۷۲	۰/۳۸۵	۰/۴۷۰۰	۰/۴۲۱۵	۰/۳۵۳۸	۰/۵۰۶۴

مأخذ: محاسبات این پژوهش.

یادآوری این نکته ضروری است که این محاسبه، ناظر بر سهم مالیات پرداختی از هزینه هر خانوار در هر دهک نیست. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، نسبت مالیات‌های پرداخت شده در دهک‌های پردرآمد در مقایسه با سایر دهک‌ها بیشتر است. افزون بر این، افزایش درصد مالیات پرداختی توسط دهک‌های پردرآمد در سال ۱۳۹۲ در مقایسه با سال‌های پیشین قابل ملاحظه است. در ادامه، به محاسبه شاخص‌های ارزیابی تأثیر نظام مالیاتی بر جنبه‌هایی از توزیع مجدد درآمدها پرداخته می‌شود. این جدول با ملاحظه روابط ارائه شده در بخش پیشین محاسبه شده است.

جدول ۴. شاخص‌های توزیع مجدد درآمد (مالیات‌ها)

شاخص	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
RE	-۰/۰۰۱۴	-۰/۰۰۱۸	-۰/۰۰۱۸	-۰/۰۰۱۸	-۰/۰۰۰۵	-۰/۰۰۱۲	-۰/۰۰۲۳	-۰/۰۰۲۰	-۰/۰۰۱۳	-۰/۰۰۲۱
t	-۰/۰۰۷۵	-۰/۰۰۹۶	-۰/۰۰۹۷	-۰/۰۰۱۰۱	-۰/۰۰۱۰۱	-۰/۰۰۷۶	-۰/۰۰۹۴	-۰/۰۰۹۵	-۰/۰۰۷۸	-۰/۰۰۸۷
P	-۰/۲۰	-۰/۲۱	-۰/۲۰	-۰/۱۸	-۰/۱۴	-۰/۱۷	-۰/۲۶	-۰/۲۳	-۰/۱۸	-۰/۲۶
VE	-۰/۰۰۱۵	-۰/۰۰۲۰	-۰/۰۰۱۹	-۰/۰۰۱۹	-۰/۰۰۱۴	-۰/۰۰۱۳	-۰/۰۰۲۴	-۰/۰۰۲۲	-۰/۰۰۱۴	-۰/۰۰۲۲
RR	-۰/۰۰۰۱۲	-۰/۰۰۰۲۲	-۰/۰۰۰۱۶	-۰/۰۰۰۱۴	-۰/۰۰۰۹۰	-۰/۰۰۰۱۴	-۰/۰۰۰۱۳	-۰/۰۰۰۱۳	-۰/۰۰۰۱۲	-۰/۰۰۰۰۱

مأخذ: محاسبات این پژوهش.

در ردیف اول این جدول، شاخص اثر توزیعی به عنوان معیار سنجش نابرابری بین درآمد ناخالص و درآمد خالص ارائه شده است. این عدد به معنای تغییر کمی در ضریب جینی پیش و پس از اعمال مالیات‌هاست. بر این اساس می‌توان تأثیر اعمال مالیات‌ها در کاهش ضریب جینی را مشاهده نمود. بدیهی است که این تأثیر کاهشی اما بسیار جزئی است. به بیان دیگر، اثر مالیات‌ها در بهبود توزیع درآمد در این دوره مثبت اما بسیار ناچیز است. نرخ مالیاتی بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ در ردیف دوم ارائه شده است. می‌توان ملاحظه نمود که خانوارها در اقتصاد ایران به طور متوسط در حدودی کمتر از یک درصد از درآمد خود را مالیات می‌دهند. نرخ شاخص بهبودگرا در نظام مالیاتی ایران در ردیف سوم محاسبه و ارائه شده است. برابری عمودی و شاخص رتبه‌بندی مجدد به ترتیب در ردیف‌های بعد محاسبه و ارائه شده که کمیتی مثبت دارد. بر این اساس می‌توان استنباط نمود که با افزایش سطح درآمدهای خانوارها میزان مالیات پرداختی افزایش می‌یابد. نکته قابل توجه در اینجا این موضوع است که به‌رغم میزان نه چندان کم شاخص P به دلیل نرخ پایین مالیاتی شاهد تأثیر جزئی مالیات بر باز توزیع درآمد هستیم. افزون بر این، می‌توان ملاحظه نمود که بروز نابرابری افقی به عنوان عاملی کاهنده موجب کاهش تأثیر مالیات‌ها بر بهبود توزیع درآمد شده است.

در ادامه و به منظور تحلیل دقیق‌تر به تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر شاخص بهبودگرا پرداخته می‌شود. بررسی این موضوع در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵. تحلیل مؤلفه‌های شاخص بهبودگرا

۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	مالیات بر
۰/۱۸	۰/۲۴	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۵	۰/۲۲	۰/۲۶	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۳۵	مزد و حقوق (بخش دولتی)
۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۷	-۰/۰۴	۰/۱	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۱۰	مزد و حقوق (بخش خصوصی)
۰/۶۲	۰/۵۰	۰/۴۱	۰/۴۶	۰/۴۲	۰/۸۰	۰/۵۷	۰/۵۲	۰/۵۰	۰/۵۳	درآمد مشاغل آزاد

مأخذ: محاسبات این پژوهش.

همان‌طور که از نتایج تجزیه شاخص P مشاهده می‌شود، سهم اصلی در قابلیت بهبودگرایانه در نظام مالیاتی در گروه مالیات بر درآمد مشاغل آزاد است. این در حالی است که تأثیر برخی از مالیات‌های پرداختی در برخی از سال‌ها منفی بوده و این به معنای کاستن از تأثیر توزیعی مالیات‌هاست.

موضوع دیگری که در اقتصاد ایران در سال‌های اخیر رخ داده است، مسأله پرداخت نقدی یارانه به افراد و خانوارهای جامعه است. نتیجه این بررسی در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ به شرح جدول زیر است.

جدول ۶. شاخص‌های توزیع مجدد درآمد (یارانه‌ها)

شاخص	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
RE	۰/۰۲۸۶	۰/۰۳۴۳	۰/۰۳۰
t	۰/۰۸۴	۰/۰۹۶	۰/۰۸۳
P	۰/۳۸	۰/۴۰	۰/۴۱
VE	۰/۰۳۰	۰/۰۳۵۳	۰/۰۳۱
R	۰/۰۰۱۳	۰/۰۰۱۰	۰/۰۰۰۷

مأخذ: محاسبات این پژوهش.

همان‌طور که از این جدول مشاهده می‌شود، ضریب جینی پس از پرداخت یارانه مستقیم به خانوارها کاهش می‌یابد. این کاهش در ضریب جینی در سال ۱۳۹۰ به میزان ۰/۰۲۸۶ و در سال ۱۳۹۱ به میزان ۰/۰۳۴۳ بوده و در سال ۱۳۹۲ برابر ۳۰ درصد است. گفتنی است که ضریب جینی ویژگی عدم تغییرپذیری نسبت به پرداخت‌های یکسان^۱ ندارد. این ویژگی ناظر بر این نکته است که ضریب جینی نسبت به اعطای پرداخت‌های مساوی به تمام افراد جامعه و یا دریافت مالیات یکسان از تمام افراد حساس است. بدیهی است که در حالت اول ضریب جینی کاهش و در حالت دوم افزایش

1. Translation Invariant

می‌یابد. بر این اساس، کاهش در ضریب جینی پیش و پس از پرداخت یارانه مستقیم به افراد و خانوارها از دیدگاه نظری دور از انتظار نیست. شاخص‌های نرخ متوسط دریافت یارانه در سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ به ترتیب ۰/۰۸۴، ۰/۰۹۶ و ۰/۰۸۳ است. در این خصوص کاهش ناچیز در سال ۱۳۹۲ قابل مشاهده است. شاخص بهبودگرایانه و برابری عمودی به عنوان عامل اصلاحی در توزیع درآمد و شاخص رتبه‌بندی مجدد به عنوان ملاکی به منظور تأثیر منفی بر توزیع درآمد محاسبه و گزارش شده است. می‌توان ملاحظه نمود که در قالب شاخص‌های سنجش اثرات بازتوزیعی سیاست‌های مالی شاخص نابرابری که در اینجا ضریب جینی است، پیش و پس از پرداخت یارانه کمتر شده که این به معنای تأثیر کاهنده یارانه‌های پرداختی بر شاخص‌های سنجش نابرابری است. در اینجا و در مقایسه با جدول ۴ ملاحظه می‌شود که برآیند شاخص‌های سنجش توزیع مجدد درآمد، یارانه‌ها عملکرد مؤثرتری در مقایسه با مالیات‌های دریافتی دارند.

موضوع قابل ذکر دیگر در اینجا مبحث مالیات بر ارزش افزوده است. این روش از دریافت مالیات در سال‌های اخیر در اقتصاد ایران تدوین و اجرا شده است. نرخ مالیات بر ارزش افزوده در سال ۱۳۹۰ برابر ۴ درصد بوده که طبق قانون سالانه یک درصد به آن اضافه می‌شود. در جدول زیر وضعیت نرخ مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای مجری ارایه شده است.

جدول ۷. وضعیت نرخ مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای مجری

تعداد کشورها	نرخ اصلی
۹	زیر ۱۰ درصد
۳۲	از ۱۰ تا ۱۵ درصد
۶۵	از ۱۵ تا ۲۰ درصد
۳۰	از ۲۰ درصد به بالا

مأخذ: سازمان امور مالیاتی کشور.

در این زمینه، در بیشتر کشورها اکثر کالاها و خدمات ضروری شامل کالاهای کشاورزی، آموزشی و بهداشت و فعالیت‌های فرهنگی از مالیات معاف و یا دارای نرخ‌های بسیار جزیی هستند. با این رویکرد، در ماده دوازده قانون مالیات بر ارزش افزوده اقلام معاف از مالیات بیان شده است. در جدول زیر نتایج بررسی مالیات بر ارزش افزوده در قالب دهک‌ها ارایه شده است.

جدول ۸. تحلیل وضعیت دهک در نظام مالیاتی VAT (درصد)

دهک	سهم هر دهک در VAT	سهم ارقام معاف از VAT در سبد خانوار
۱	۱/۵۰	۷۳
۲	۲/۷۷	۶۹
۳	۳/۸۳	۶۷
۴	۴/۹۰	۶۵
۵	۶/۳۷	۶۲
۶	۷/۹۰	۶۰
۷	۹/۹۳	۵۹
۸	۱۲/۹۰	۵۷
۹	۱۷/۵۳	۵۵
۱۰	۳۲/۲۹	۵۴

مأخذ: محاسبات این پژوهش.

در ستون اول این جدول سهم هر دهک درآمدی از تأمین مالی دولت از منبع مالیات بر ارزش افزوده ارایه شده است. بر این اساس، مشاهده می‌شود که گروه‌های کم درآمد و پردرآمد به ترتیب کمترین و بیشترین سهم را دارند. ستون دوم بر اساس رویکرد دولت در اعمال معافیت‌های مالیاتی محاسبه شده و نشان می‌دهد که در حدود ۷۰ درصد از سبد اقلام مصرفی خانوارهای کم درآمد معاف از مالیات هستند؛ این در حالی است که این رقم برای گروه‌های پردرآمد، بیش از رقمی در حدود ۵۰ درصد است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

موضوع دریافت مالیات به عنوان ابزاری برای تأمین مالی مخارج دولت از کارکردهای مهم در یک نظام مالیاتی است، اما در این زمینه ملاحظاتی در خصوص بازتوزیع درآمد قابل طرح است. در این مبحث، پژوهش‌های گسترده‌ای انجام شده و شاخص‌هایی برای ارزیابی موضوع ارائه شده است. در این مقاله، ابتدا با اشاره به مطالعات انجام‌شده، دیدگاه‌ها و برخی یافته‌های پژوهشگران به اختصار بیان شده است. بررسی نظری دیدگاه‌های مطرح در مقوله بازتوزیع درآمد، موضوعی است که به اختصار در بخش سوم مقاله ارایه و شاخص‌هایی در خصوص سنجش این موضوع ارایه شد. در بخش چهارم، این شاخص‌ها برای اقتصاد ایران در دوره ۹۲-۱۳۸۳ بررسی، محاسبه و گزارش شد.

گفتنی است که شاخص‌های باز توزیع درآمد به سنجش تأثیرات توزیعی پیش و پس از یک سیاست مالی می‌پردازند. نتایج محاسبه این شاخص‌ها نشان می‌دهد که تأثیر نظام مالیاتی در اقتصاد ایران بر بهبود توزیع درآمد بسیار جزئی است. این وضعیت در مقایسه با شاخص‌های مشابه در کشورهای دیگر کاملاً مشهود است. از آنجا که میزان شاخص بهبودگرایی مالیاتی در ایران چندان کم نیست، این تأثیر ناچیز بر بهبود توزیع درآمد می‌تواند معلول نرخ پایین مالیات‌ها باشد. از سوی دیگر، هر چند که سهم اصلی مالیات‌ها در گروه مالیات بر مزد و حقوق در بخش‌های دولتی و خصوصی است، اما گروه مالیات بر درآمد مشاغل آزاد سهم و تأثیر قوی‌تری در شاخص بهبودگرایی مالیاتی دارد. در این زمینه و به طور مشخص از منظر سیاستگذاری تمرکز و بازنگری دولت بر جنبه‌های مالیاتی در این گروه می‌تواند به عنوان پیشنهادی مؤثر بر ارتقای ویژگی بهبود بخشی مالیات‌ها بر توزیع درآمد توصیه شود. افزون بر این، با ملاحظه رفتار مالیات بر ارزش افزوده در دهک‌های درآمدی و سهم قابل توجه معافیت‌های مالیاتی دهک‌های پُردرآمد، می‌توان رویکردی چند نرخی را در خصوص نرخ‌های مالیات بر ارزش افزوده به سیاستگذار توصیه نمود. بدیهی است که این به معنای افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده برای کالاها و اقلام لوکس است. موضوع دیگر، پرداخت یارانه‌های مستقیم به افراد خانوارها در قالب سیاست طرح هدفمندی یارانه‌هاست که در سال‌های اخیر در دستور کار دولت قرار داشته است. تحلیل شاخص‌های باز توزیع درآمدی در خصوص این سیاست نشان‌دهنده کاهش ضریب جینی پیش و پس از پرداخت یارانه است که در این زمینه، تأثیرگذاری بیشتر در مقایسه با سیاست‌های مالیاتی مشاهده می‌شود. گفتنی است که شاخص ضریب جینی به عنوان ابزار سنجش نابرابری در توزیع درآمد به ازای پرداخت‌های یکسان به تمام افراد جامعه، کاهش می‌یابد. در این خصوص، نکته قابل تأمل برای سیاستگذاران اقتصادی، کاهش ۱۳ درصدی این تأثیرگذاری در سال ۱۳۹۲ در مقایسه با ۱۳۹۱ است.

منابع

- ۱- ابونوری، اسماعیل و خوشکار، آرش. (۱۳۸۶). اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین استانی. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۷، صص ۶۵-۹۵.
- ۲- ابونوری، اسماعیل و خوشکار، آرش. (۱۳۸۷). تجزیه و تحلیل عامل‌های مؤثر بر نابرابری اقتصادی در ایران با استفاده از ریز داده‌ها. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. شماره ۳۰، صص ۹۹-۱۲۲.
- ۳- رشتی، امین و میلانی، رفعت. (۱۳۹۰). بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب. پژوهشنامه مالیات. سال یازدهم شماره ۵۹.
- ۴- فلاحتی، علی؛ الماسی، مجتبی و آقایی، فاطمه. (۱۳۸۸). تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۵۲. دو فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی. صص ۱۰۹-۱۳۱.
- ۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. آمار بودجه خانوار. ۱۳۹۲-۱۳۸۳.
- ۶- پیرایی، خسرو و فرد دوجی، سارا. (۱۳۸۸). ارزیابی سیاست مالیاتی ایران از جنبه فقر و نابرابری: آیا سیاست مالیاتی به نفع فقیر بوده است؟ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. صص ۱۹-۴۶.
- ۷- پروین، سهیلا و قره‌باغیان، مرتضی. (۱۳۷۵). آثار توزیعی مالیات در ایران. مجله اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸- جابری خسروشاهی، نسیم و دیگران. (بهار ۱۳۹۱). تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمد در ایران. فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. شماره ششم.
- ۹- دادگر و نظری. (۱۳۹۰). تحلیل سیاست‌های یارانه‌ها در اقتصاد ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲.
- ۱۰- دادگر، یداله و غفاری، علی اکبر. (۱۳۸۷). بررسی اثر مالیات حقوق و دستمزد بر توزیع درآمد در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره سوم، صص ۷۳-۹۷.

- ۱۱- سالم، علی اکبر و عرب‌یار محمدی، جواد. (۱۳۹۰). بررسی رابطه توسعه مالی و توزیع درآمد در اقتصاد ایران. فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی. شماره ۵۸. صص ۱۵۱-۱۲۷.
- ۱۲- سیفی پور، رویا و رضایی، محمد قاسم. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات‌ها. پژوهشنامه مالیات. شماره دهم. صص ۱۴۲-۱۲۱.
- ۱۳- صمدی و دیگران. (زمستان ۱۳۸۷). بررسی اثر سیاست‌های مالی دولت بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی. شماره ۴۹.
- ۱۴- طیب‌نیا و دیگران. (۱۳۸۴). بررسی اثرات احتمالی اجرای مالیات بر ارزش افزوده در ایران بر نابرابری. مجله تحقیقات اقتصادی. دوره ۴۰. شماره ۱.
- ۱۵- مرکز آمار ایران. توزیع درآمد در خانوارهای شهری، روستایی و کل کشور. ۹۱-۱۳۸۰.
- ۱۶- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۸۶). مالیات بر ارزش افزوده و الزامات آن در ایران با تأکید بر تجارب سایر کشورها.
- 17- Aronson, Johnson, P. Lambert. (1994). Redistributive Effect and Unequal Income Tax Treatment. *The Economic Journal*. 104 (423). pp, 262-270.
- 18- Atkinson. (1980). Horizontal Equity and Distribution of the Tax Border. *The Economics of Taxation*. Washington D.C. pp, 3-18.
- 19- Duclos. (1998). Progressivity, Redistribution and Equity with Application to British Tax Benefit System. *Public Finance*. 48(3). pp, 350-365.
- 20- Duclos. (2000). Gini Indices and Redistribution of Income. *International Tax and Public Finance*. 7. pp, 141-162.
- 21- Duclos and Lambert. (2000). A Normative and Statistical Approach to Measuring Classical Horizontal Inequality. *Canadian Journal of Economics*. 33(1). pp 87-113.
- 22- Duclos and Jalbert and Arrar. (2003). Classical Horizontal Inequality and Reranking as Integrated Approach. *Research on Economic Inequality*. 10. pp, 65-100.
- 23- Guillaume and Zytek and Farzin. (2011). Iran – the Chronicles of Subsidy Reform. IMF Working paper.
- 24- Kakwani. (1977a). Applications of Lorenz Curves in Economic Analysis. *Econometrica*. 45. pp, 719-727.

- 25- Kakwani. (1977b). Measurement of Progressivity: An International Comparison. *The Economic Journal*.87. pp,71-80.
- 26- Kakwani. (1984). On the Measurement of Tax Progressivity and Redistributive Effect of Taxes with Applications to Horizontal and Vertical Equity. *Advances in Econometrics* 3. pp,149-168.
- 27- Kakwani and Lambert. (1998). On Measuring Inequality in Taxation: A New Approach. *European Journal of Political Economy*.14. pp36-80.
- 28- King. (1983). An Index of Inequality: With Application to Horizontal Inequality and Social Mobility. *Econometrica* 51. pp,99-115.
- 29- Lambert. (2001). *The Distribution and Redistribution of Income*, 3rd Edition. Manchester University Press.
- 30- Musgrave and Thin,T. (1948). Income Tax Progression, 1929-48. *The Journal of Political Economy*. 56(6).4. pp8-514.
- 31- Plotnic. (1981). A Measure of Horizontal Equity. *The Review of Economics and Statistics*. 63. pp,283-288.
- 32- Urban. (2009). Kakwani Decomposition of Redistributive Effect: Origins, Critics and Upgrades. *ECINEQ .WP* 2009-148
- 33- Verbist Rerbist and Figari. (2014). The Distributive Effect and Progressivity of Taxes Revisited: An International Comparison Across the European Union, *EuroMod*.
- 34- WWW.Tamedia.ir

پیوست

جدول ۱. اثرات توزیعی مالیات‌ها در برخی از کشورهای اروپایی (۲۰۰۸)

نام کشور	ضریب جینی پیش از مالیات	ضریب جینی پس از مالیات	اثر توزیعی	شاخص بهبودگرا	برابری عمودی	نرخ مالیات
اتریش	۰/۳۱۰۰	۰/۲۴۹۷	۰/۰۶۰۲	۰/۱۶۲	۰/۰۶۲۱	۰/۲۷۸۷
بلژیک	۰/۳۱۵۰	۰/۲۳۲۲	۰/۰۸۲۸	۰/۲۰۸	۰/۰۸۷۰	۰/۲۹۴۷
دانمارک	۰/۲۷۸۱	۰/۲۳۷۷	۰/۰۴۰۵	۰/۰۸۲	۰/۰۴۲۳	۰/۳۴۶۴
فنلاند	۰/۳۰۳۴	۰/۲۵۴۳	۰/۰۴۹۱	۰/۱۳۳	۰/۰۵۱۰	۰/۲۷۷۴
فرانسه	۰/۲۹۱۰	۰/۲۷۳۱	۰/۰۳۴۴	۰/۱۴۵	۰/۰۳۶۶	۰/۲۰۱۸
آلمان	۰/۳۳۲۱	۰/۲۶۷۱	۰/۰۶۵۰	۰/۱۷۳	۰/۰۷۴۷	۰/۳۰۱۹
یونان	۰/۳۶۱۸	۰/۳۲۷۸	۰/۰۳۴۰	۰/۱۵۵	۰/۰۳۶۴	۰/۱۹۰۱
ایرلند	۰/۳۳۲۸	۰/۲۶۸۰	۰/۰۶۴۸	۰/۳۲۰	۰/۰۶۶۵	۰/۱۷۱۹
ایتالیا	۰/۳۵۲۷	۰/۳۰۷۱	۰/۰۴۵۷	۰/۱۳۹	۰/۰۴۷۶	۰/۳۵۵۲
لوکزامبورگ	۰/۲۹۴۲	۰/۲۴۸۰	۰/۰۴۶۳	۰/۱۸۰	۰/۰۴۸۵	۰/۲۱۲۵
هلند	۰/۳۱۲۸	۰/۲۶۵۱	۰/۰۴۷۶	۰/۱۱۴	۰/۰۵۰۹	۰/۳۰۸۱
پرتغال	۰/۳۹۵۴	۰/۳۴۹۴	۰/۰۴۵۹	۰/۲۱۲	۰/۰۴۷۷	۰/۱۸۳۶
اسپانیا	۰/۳۲۶۳	۰/۲۹۱۹	۰/۰۳۴۴	۰/۲۰۲	۰/۰۳۵۹	۰/۱۵۰۷
سوئد	۰/۲۶۹۸	۰/۲۳۷۰	۰/۰۳۶۸	۰/۰۶۶	۰/۰۳۹۸	۰/۳۵۵۰
انگلستان	۰/۳۶۳۸	۰/۳۱۰۹	۰/۰۵۲۹	۰/۱۷۸	۰/۰۵۵۵	۰/۲۳۷۸

مأخذ: Euromod